

فیلسوف دوران گذار

از نظام‌سازی تا تمدن‌سازی

در اندیشه علامه مصباح یزدی قُدس سره

ابوذر مظاهری

شاید اطلاق عنوان «فیلسوف آزادی و آگاهی» برای شخصیتی مانند آیت‌الله مصباح که برخی وی را تئوریسین خشونت می‌نامند، عجیب به نظر بیاید؛ اما با تأمل دربارهٔ اندیشه و شخصیت ایشان متوجه می‌شویم که نه تنها اندیشه و راه ایشان به خشونت منتهی نمی‌شود، بلکه آزادی و آگاهی سازنده، جز با پیمودن مسیر تفکری که ایشان گشوده‌اند، به دست نمی‌آید.

حرکت تکاملی انقلاب اسلامی، بر اساس مراحل پنج‌گانه‌ای که رهبر معظم انقلاب ترسیم کرده‌اند، از انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و پس از شکل دادن به نظام اسلامی، با طی مراحل دولت اسلامی و کشور اسلامی به تمدن اسلامی می‌رسد. اکنون ما در آغاز مرحلهٔ سوم هستیم که یکی از پیچیده‌ترین مراحل و از بزرگ‌ترین گام‌های پیش روست؛ البته این بدان معنا نیست که در این مرحله نتوان دربارهٔ تمدن اسلامی سخن گفت؛ بلکه با توجه به «افق تمدنی»‌ای که انقلاب اسلامی از ابتدا گشوده است، نداشتن چشم‌انداز تمدنی، درک ناقص و ناکارآمدی از انقلاب اسلامی پدید می‌آورد. روشن است که تا رسیدن به تمدن اسلامی راهی طولانی در پیش داریم. وقتی یک فرهنگ در مسیر تمدن‌سازی قرار گرفت، مانند آن است که از جاده‌های فرعی به جادهٔ اصلی و «آزادراه» رسیده است؛ چنان که مقام معظم رهبری در تشبیهی دربارهٔ دوران ظهور فرمودند: دوران ظهور را باید «مثل یک جادهٔ وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم [که] همهٔ انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر و بی‌ضایعات با کم‌ضایعات‌تر خواهد بود» (بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۴).

حال باید به این نکته توجه کرد که تفاوت این «آزادراه» (حرکت با افق تمدنی) با جاده‌های دیگر، فقط در بزرگی و وسعت نیست؛ بلکه در فقدان موانع و تقاطع‌ها و نیز در وجود حصارها و دیواره‌های محافظ با به‌اصطلاح «گارد ریل‌ها» بی

است که امنیت این حرکت با سرعت و آزاد را به سمت مقصد تأمین می‌کنند. موانع و تقاطع‌های مسیر تمدن‌سازی، همان اندیشه‌های التقاطی، مسامحه‌ها و

سهل‌انگاری‌ها بی است که حرکت انقلاب در آزادراه تمدن‌سازی را کند می‌کند و امنیت و آرامش خاطر پویندگان را از

بین می‌برد؛ بر همین اساس، مسامحه و التقاط، هم آگاهی را به خطر می‌اندازد و هم آزادی را تهدید می‌کند؛ به عبارت دیگر، هر راهی علاوه بر «راهبری»، به «راهداری» هم نیاز دارد. وظیفهٔ راهداری، حفظ و نگهداری راه و تأمین ایمنی آن است.

عموماً در انقلاب‌ها در دورهٔ نفی و طرد رژیم حاکم، نوعی مسامحه و سهل‌گیری در میان انقلابیون وجود دارد و افراد و جریان‌ها با سلايق و باورهای مختلف و متفاوت با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ اما

بعد از وقوع انقلاب و زمانی که معماری نظام جدید آغاز می‌شود، اختلاف‌ها آشکار می‌شود و فاصله‌ها به تدریج افزایش می‌یابد. در این مرحله ممکن است که برخی افراد یا جریان‌ها به مخالفت یا ضدیت برخیزند. حرکت انقلابی اگر بتواند از این گردنه

به سلامت بگذرد، می‌تواند مخالفت‌ها یا ضدیت‌ها را در خود هضم کند و به تثبیت و ثبات برسد. چنانچه بخواهیم در این مرحله، علاوه بر امام خمینی - که «راهبر» اصلی مسیر انقلاب بودند - از شخصیتی نام ببریم که سهم زیادی در این ثبات و تثبیت داشتند، باید از شهید بهشتی یاد کنیم که به حق «مدیر» در صحنه نظام‌سازی بودند. اما حرکت انقلاب اسلامی در نظام‌سازی متوقف نمی‌شود. انقلاب اسلامی «افق تمدنی» دارد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است» (بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۴). در این مرحله، سطح نیازمندی‌ها و در مقابل تهدیدها و مخاطرات، با سطح این موارد در مرحله نظام‌سازی تفاوت اساسی دارد و التقاطها، ناخالصی‌ها و لغزشگاه‌های آن، در مقایسه با مرحله نظام‌سازی، عمیق‌تر و خطرناک‌تر است. در این مرحله، اگر بخواهیم علاوه بر مقام معظم رهبری - که راهبر اصلی مسیر انقلاب هستند، از شخصیتی نام ببریم که سهم زیادی در محافظت از مسیر تمدن‌سازی و حرکت در این مسیر را داشتند، به حق باید از مرحوم علامه مصباح یاد کنیم؛ بلکه باید ایشان را فیلسوف و متفکر در زمینه حرکت از نظام اسلامی به سوی تمدن‌سازی اسلامی بدانیم. برای طی این مسیر به سه امر اساسی نیاز است که علامه مصباح در هر سه مورد کارهایی کم‌نظیر انجام داده‌اند:

۱. باورهای متقن و منطقی قوی (تولید فلسفه‌های مضاف که بنیادهای نظری ارکان تمدن، یعنی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را تشکیل می‌دهند)؛

۲. دانش وسیع و کاربردی (تولید علوم انسانی اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار تمدن‌سازی)؛

۳. حفاظت‌های مطمئن (مواجهه با التقاطها و ناخالصی‌ها؛ رفع سوءتفاهم‌ها؛ دفاع از آرمان‌ها؛ و حفظ مرزهای باور).



در پایان گفتنی است، همان‌گونه که پاسداران و مرزبانان عملیاتی، مانند سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، ضامن آزادی و استقلال یک ملت‌اند، مرزبانان باور و تفکر نیز بستر آگاهی و آزادی را فراهم می‌کنند. تمدن جز با آگاهی و آزادی محقق نمی‌شود و آگاهی و آزادی نیز جز با مرزگذاری و حفظ آنها به‌دست نخواهد آمد.

محمدعلی مصباح درزی

برجسته سازی نقش و مسئولیت دولت اسلامی و نهادهای تابع

لزوم ایجاد زمینه های محیطی از طریق نهادهای مربوط بویژه رسانه های جمعی مثل فرهنگ سازی، تبلیغ و ترویج احکام و حدود الهی، آگاهی دادن به وظایف و مسئولیت ها، ایجاد حساسیت های محیطی و...؛ [یا جامعه پذیری، اجرایی شدن عادی شریعت در گستره جامعه]

توجه به نقش و رسالت قاطع علما و روحانیون به عنوان مراجع فکری و الگوهای اخلاقی جامعه

توجه به تعدد و تنوع روش ها و شیوه های اجرایی به تناسب شرایط و اقتضانات زمانی و مکانی (به بیان دیگر، شیوه های اجرایی این دو فریضه امری تعددی نیستند)

توجه به لزوم گونه شناسی و اولویت بندی انحرافات (مثل تمایز انحرافات فردی ناشی از گستاخی با انحرافات جمعی و برنامه ریزی شده)

توجه به نقش تشکل های مذهبی (بویژه هیات) برای مبارزه با مفاسد اجتماعی سازمان یافته (فراتر از اقدامات فردی)

توجه به اینکه اجرای امر و نهی نباید به اختلال نظم اجتماعی (اختلال نظام) منجر شود